

چریکهای
فدائی خلق
ایران

خبرنامه

1971/11

شهران

باید در جریان مبارزه توده‌ها دوسر
شکل وسط‌حی که باشد قوار
داشت و آنرا ارتقاء داد

با تحریم رفتار دوم هیئت حاکمه رادار پیشبرد مقاصد ارتجاعی‌ش رسوا کنیم!

۹ ماه از قیام خونین بهمن ماه میگذرد. ۹ ماهی که هر روز آن حادثه‌ای رادار بر داشته است. حاکمیت فعلی که حکومت خویش را مدیون سازش با امپریالیسم و قریب‌توده‌هاست، با اعتبار قدرت سیاسی خویش، هر روز واقعه میآفریند تا در پیچ و خم این وقایع، تبلیغات عوام‌فریبانه خویش را گسترش داده و مؤثر سازد. برآستی که خصوصیت بارز دارودسته حاکم، توانا‌نیش‌در قریب‌مردم است و عامل بقای اینان نیز همین است.

حاکمیت وقت در تمامی این ۹ ماه کوشیده است به شیوه‌های مختلف و با اتخاذ تاکتیک‌های متنوع، از تهمت‌زدن به چریک‌فدائی گرفته تا ضدانقلابی خواندن کارگران، از سوءاستفاده کردن از احساسات مذهبی مردم و دعوت آنان به صبر و شکیبائی و سکوت در مقابل هرگونه ظلم و اجحاف گرفته تا بیان کثیف‌ترین صفت‌ها به توده‌های مبارز، مردم را سرگرم کرده تا چند صباحی بیشتر بر مسند قدرت تکیه زند. ولی هرچا تبلیغات مسموم‌کننده آنها کارآیی نداشته است، لحظه‌ای در استفاده از ارتش و پاسداران مزدورشان ایا نداشته‌اند. هرچند که استفاده از این حربه چهره فریبکار آنان را هرچه بیشتر دریده است.

از همان ماه‌های اول توده‌های آگاه بتدریج متوجه شدند که چگونه حاکمیت وقت شش‌سور انقلابی مردم را در مبارزه علیه شاه و اربابانش، در خدمت تحقق منافع قشری خود بکار گرفته است. فریاد "مرگ برشاه" توده‌ها مضمون فدا امپریالیستی داشت درحالی‌که مخالفت حاکمین وقت صرفاً با دارودسته شاه بود تا با بزرگ‌کنیدن آنها از قدرت، خود به تخت ولایت فقیه جلسوس نمایند.

آگاهی روبه‌رشد مردم هر روز بیش از پیش دست‌ارتجاع را در توسل به شیوه‌های همیشگی فریبکاری می‌بست و این در شرایطی بود که میبایست بزرگترین خواست‌توده‌ها در قیام، یعنی تشکیل مجلس مؤسسان، عملی گردد.

ایشبار حاکمین وقت دست به فریبی تازه زدند، فریبی که نیروهای سازشکار را هم‌بدم خود انداخت. آنها در عین حال که رسماً اعلام کردند توده‌ها صلاحیت اظهارنظر در مسائل سیاسی را ندارند و باید "خبرگان"، یعنی سرسپردگان رژیم، در مورد سرنوشت مردم تصمیم بگیرند، کوشیدند انتخابات مجلس "خبرگان" را هرچه بیشتر با بوق و کرنای تبلیغاتی برپا نموده و بآن چهره دمکراتیک بدهند. ارتجاع با توجه به ارتقای آگاهی مردم بخوبی میدانست که هرگز نخواهد توانست بهمان اندازه "رفران دوم" توده‌ها را به پای صندوق‌های رای بکشاند. امری که برای آنان بسیار حائز اهمیت بود. اگر مردم بیای صندوق‌های رای نمی‌آمدند، دیگر نمیشد تا با تکیه بر کثرت رای‌دهندگان، خود را نماینده مردم جلوه داد و این چماق را به سر هرکس که روی خواست‌های بحق خویش پای میفشارد، فرود آورد. نیامدن توده‌ها بیای صندوق‌های رای آنچنان خطری برای ارتجاع بدنبال داشت که میتوانست پایه‌های حکومت او را، بدلیسل آنکه اساس بر فریب مردم نهاده شده‌است، بلرزه درآورد. برای ارتجاع این موضوع چندان اهمیت نداشت که بکدام کاندید رای داده شود. "خبره‌ها قبلاً" از طرف خود آنان انتخاب شده بودند. مهم، کثرت شرکت‌کنندگان در انتخابات بود. از اینرو میبایست سراغ نیروهای سیاسی مخالف می‌آمدند و با شرکت دادن نیروهای خوشنام در این انتخابات، از نام آنان برای جبران بدنامی خود استفاده میکردند. برای ارتجاع بسیار مهم بود که با شرکت دادن این نیروها در

مرگ بر امپریالیسم و سگ‌های زنجیریش

انتخابات، از طرفی با ایجاد امید واهی، توده‌ها را از اندیشه درمورد مبارزه واقعی بازداشته و توجه آنها را هرچه بیشتر بطرف این مجلس جلب نماید و از طرف دیگر با کشاندن توده‌های پشتیبان این نیروها برای صندوق‌های رأی، جمعیت شرکت‌کننده را کثیر جلوه دهند. درک این موضوع برای انقلابیون چندان مشکل نبود، ولی نیروهای سازشکار بدام فریب ارتجاع افتادند و در نمایندگان ماهی شرکت کردند که کارگردانش بخوبی میدانست کدام بازیگران باید در صحنه‌های اول باشند و بعد کنار گذاشته شوند. جالب توجه است که نیروهای سازشکار ظاهراً این موضوع را فرض شده اعلام نمودند، با اینحال آنها با اتخاذ تاکتیک شرکت در انتخابات، نیروی توده‌ای خود را در خدمت ارتجاع قرار دادند و عملاً در فریب توده‌ها و رای‌رساندند، حاکمیت در نقشه خود بخوبی موفق شد. حال میتوانست بکار رمز زنی توده‌های پای صندوق رأی و نه خود رأی، بپردازد و در شرایطی که ذهن مردم را بطرف مجلس "خبرگان" و نیروهای سیاسی را سرگرم مسائل مربوط به انتخابات کرده بود، با سودگی درخفا نقشه سرکوب خلق را تهیه ببیند. هنوز مجلس "خبرگان" جا نیافتاده بود که حمله به تمامی نهادهای دمکراتیک آغاز شد و حتی ستادهای نیروهای سازشکار مدعی رهبری طبقه کارگر، که آنهمه خوش خدمتی کرده بودند، نیز از این بورش مومن نماند. جو اختناق دوره آریامهری دوباره حاکم شد. ارتجاع بعدی فریب خود را کاری و خویشتر را در اوج قدرت میدید، که بلافاصله بپوشش نظامی بر علیه خلق کرد را آغاز کرد. علیرغم تبلیغات سوء، این نه فقط بازیگران نخست وزیر منتخب "امام" نه فقط اعضای کابینه او، نه فقط بهشتی‌ها و چمران‌ها و یزدی‌ها و این نایبندگان "امام" و پاسداران منافع امپریالیسم در ایران، نه فقط خلقالی جلاد، بلکه فرد فرد اعضای این دارودسته بودند که میگفتند باید به شدیدترین وجه خلق رنج‌دیده و فهرمان کرد را سرکوب کرد. تمامی آنها در این جنبش تریک هستند. آنها فریاد میزدند که جزای هرکسی که با ایستادن امر مخالفت کند، چوبه دار است و در حالیکه وعده آویختن چوبه‌های دار را در هر کوی و برزن به توده‌های آگاه و نیروهای انقلابی و مترقی میدادند، در کردستان به وعده خود عمل نمودند. زخمی‌ها را با برانکاره به میدان اعدام بردند، مردان را شبانه از خانه‌های خود بیرون کشیده و در عرض بهایست تیرباران کردند و حتی برخلاف ادعاهای پرطمطراقشان، به زنان حامله و کودکان نیز رحم نکردند.

مجلس "خبرگان" در میان خون و آتش بپاشیده کار خود را آغاز کرد. حکام وقت با یکدست به سرکوب خلقهای ما، که خواستی جز پایان بخشیدن به ستم و استعمار امپریالیستی و نابودی تمامی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران ندارند، پرداختند و دست دیگر در این مجلس به تدوین قانون اساسی ای که بنده آن درجهت تحکیم روابط امپریالیستی و حفظ منافع روحانیت است، همت گماشتند.

سرکوب خلق برخلاف دوران شاه بجای ایجاد رعب و وحشت در جامعه، نتیجه عکس خود را برای ارتجاع به ارمغان آورد. مقاومت دلیرانه خلق کرد، پوزه این تازه‌بدوران رسیده‌ها را به خاک مالید و حصن‌ها و اعتراضات نیروهای خلقی سایر نقاط، مشت آنان را باز کرد. فریادهای "مرگ پیرشاه" به فریادهای بی میلیون بیکار در جستجوی کار تبدیل شد که یکمدا میگفتند: "صبر پس است، عمل کنید". به فریاد دهقانانی تبدیل شد که میخواستند دست زمینداران بزرگ از سرشان کوناه شود و زمین برای کشت داشته باشند. به فریاد میدان‌دلمیر، که دیگر حاضر نبودند شیلات آریامهری را تحمل نمایند، تبدیل شد. به فریاد دانش‌آموزانی تبدیل شد که خواهان آموزش رایگان بودند و دیگر نمیخواستند تحت سیطره فرهنگ امپریالیستی قرار گیرند. به فریاد افشار و طبقات خلقی تبدیل شد که علیه نظام سیستم سرمایه‌داری وابسته قیام نموده بودند. اگر دیروز مقامد پلیس ارتجاع در حفظ ارتش امپریالیستی در زیر شعار فریبکارانه "ارتش برادر ماست" پوشیده مانده بود، ولی سرب‌کداخته گلوله‌های این ارتش و مسزوران

مرگ بردگان کاران و فریبکاران

جدید وابسته بآن در بدنهای مبارزین کرد، عرب، ترکمن، کارگر افغانی و خرورهای، صیاد انزلی و جایی برای لاپوشانی مقاصد واقعی آنان باقی نگذاشت و خون سرخ وینا دایمانی - ها، دکتر روشنها، ناهیدها، گرجی بیانی ها و میرشکاری ها جایی برای این توهم باقسی نگذاشت. در اثر آگاهی خلق و آغاز موج جدید مبارزه، تفادهای درونی دستگاه حاکمه شدت یافت و این خود در آگاهی هرچه بیشتر مردم موثر افتاد.

در جریان انتخابات "شورا" های شهر، با وجود اینکه تبلیغات زیادی روی آن بعمل آوردند و با توجه به عدم شرکت مردم در این انتخابات، آنها دریافتند تاچه حد موقعیت خود را در بین مردم از دست داده اند؛ دریافتند که دیگر سرکوب و فریب های همیشگی کارائی ندارند. وحشت سر پای این دارودسته رهبری طلب را فراگرفت. میبایست به حیل های جدید، به حیل های مردم فریب دست زد. این حیل "میبایست با توجه به کل شرایط جامعه و موقعیت خود آنان طرح ریزی شود و چنان باشد که آثار خون و جنایت را از چهره های آنان پاک کرده و بساز تمام فجایع گذشته را بگردن مهره های از حاکمیت بیاندازد. بنابراین لازم بود بازرگان، این فرد "خوش نام"، فردی که "موفقیتهاش" در تحکیم روابط امپریالیستی و تاءید ناممه های پیش از طرف "امام" مورد غیبه همکارانش گشته بود، فدا شود. پس دولت بازرگان ساقط شد و "شورای انقلاب" به تنهایی مسئولیت امور کشور را بعهده گرفت. چراکه ظاهراً "مسئولیت تمام اغسال فدخلقی هیئت حاکمه با دولت بازرگان بود، ولی چه کسی نمیداند که بعد از قیام هیچ عملی بدون اجازه "شورای انقلاب" و شخص خمینی صورت نگرفته است و بازرگان که خود هنوز هم یکی از اعضای این شورا است، تمام اعمال خود را با نظر تاءید "شورا" انجام داده است.

با توجه به جو انفجاری حاکم در جامعه، سقوط دولت بازرگان اگر با مانور جدیدی همراه نبود، موفقیتی بسیار عمیقاً و در لازم بود این اقدام با بازی دیگری کامل شود. "تسخیر" سفارت آمریکا آن بازی مکتبی بود که هیئت حاکمه با تمام عواقب خطرناکش برای حفظ منافع قشری خود بآن دست زد.

مقامی که حاکمیت وقت با "تسخیر" سفارت آمریکا دنبال میکند، عبارت از آنستکه: "اولاً" با ضدامپریالیست نشان دادن خود، پرونده سیاه گذشته اش را از اذهان خلق پاک نماید. ثانیاً با استفاده از احساسات ضدامپریالیستی مردم و القای اینکه گویا در بیکار بین خلق و امپریالیسم، آنها بدلیل ایرانی بودنشان در صف خلق قرار خواهند گرفت، با زهم برگرداند مردم دلیر ما سوار شود تا یکبار دیگر از گسترش مبارزات مردم جلوگیری نماید و سیستم سرمایه داری وابسته را از خطر نابودی نجات دهند، تا بتوانند همچنان حکومت کنند و منافع قشری خویش را تاءید مینمایند. بنابراین هیئت حاکمه میکوشد تا در فضای ایجاد شده، "قانون اساسی" ای را که توسط مجلس خود ساخته "خبرگان" تدوین شده است، به تصویب برساند.

تصویب "قانون اساسی"، همانطور که در مورد انتخابات مجلس "خبرگان" مشاهده شد، بهیچوجه بستگی به تعداد آرای مثبت مردم ندارد. این قانون حتی قبل از آغاز رفتار دوم توسط "فقیه" و "شورای انقلاب" منتخب او، که گویا وصی و قیم مردم اند، به تصویب رسیده است. هدف از به رفتار دوم گذاشتن این قانون، بار دیگر نشان دادن توده ها بیای صندوقهای رأی است. مردم بیای صندوقهای رأی بیایند، مهم نیست که رأی منفی بدهند، چراکه هر رأی منفی را میتوان با یک چرخش قلم به رأی مثبت تبدیل کرد. مخصوصاً "که اگر مسئولیت جنبش رفتار دوم برعهده انسان "بیطرف" و "سی غرض" همچون آیت الله هاشمی رفسنجانی باشد؛ مهم اینست که مردم در آنجا حضور داشته باشند تا آنها بتوانند کثرت جمعیت را در بیای صندوقهای رأی، دلیلی بر حقانیت خویش بشمارند. اتفاقی نیست که آنها ماه محرم را برای انجام رفتار دوم انتخاب کرده اند. توجه باین امر، که در این ماه بسبب حضور مردم در مساجد و تکیا امکان تبلیغات هرچه بیشتری برای روحانیت وجود دارد، بخوبی روشن میکند که تاچه حد شرکت

“قانون اساسی“، نقض آشکار حقوق خلقهاست!

مردم در انتخابات برای ارتجاع مسئله‌ای اساسی است و واقعا " برای وی اهمیت حیاتی دارد .
 قانونی که درین بند آن ادامه سلطه سرمایه‌های امپریالیستی بر ایران تضمین شده ،
 قانونی که در هر بند آن مخالفت با کارگران و دیگر نیروهای خلقی قانونیت یافته ، قانونی
 که محرومیت و تحقیر زنان را امدجندان کرده ، قانونی که فریادهای فدا امپریالیستی و حق -
 طلبانه خلقهای ایران را نادیده گرفته و مسئله حق تعیین سرنوشت خلقها را مخدوش میکند ،
 قانونی که حتی واژه " جامعه بی طبقه -توحیدی" را بخود نمیپذیرد ، قانونی که بساط دیکتاتوری
 شاه را در " ولایت فقیه" گسترده است ، قانونی که نمایندگان شورای ملی را ، که تازه منتخب
 مردم هم نمیتوانند باشند به عروسکهای خمه شب بازی شورای نگهبان تبدیل میکند ، قانونی
 که گارد جاویدان شاهنشاهی را به لباس سپاه پاسداران درآورده است . قانونی که حق آزادی
 عقیده و بیان را در لفاظه افعالیت فدا سلاخی ممنوع اعلام میدارد ، قانونی که در هوس آن
 با گذاشتن " آکر" و " مکر ها" و شروط مبهم ، دیت حکام را در سرکوب جنبش خلق بازمیکندارد ،
 قانونی بنا به ارتجاعی و نفع و مصالح زحمتکشان و همه مردم آزاده ایران است .
 از اینرو شرکت در فراندوم چنین قانون اساسی و حتی دادن رای منفی بآن ، بهمسلمان
 دلالی که گفته شد ، توهین به خلق ستمکش و مبارز ایران و زیر پا گذاشتن خون ۷۵ هزار شهیدی
 است که برای نجات قوانینینی پی با کانه سینههای خود را در مقابل کلوله های دشمن گشودند .

خلقهای مبارز ایران !
 حاکمیت کنونی همانطور که تجربه ۹ ماهه خود شما نشان میدهد ، حکومتی وابسته بسسه
 امپریالیسم است . حکومتی است که نه تنها کوچکترین قدمی درخلاف جهت منافی که امپریالیستها
 در ایران دارند برنمیدارد ، بلکه توده های مردم را ، بجهت اقدام در فریزدن باین منافس
 غارتگرانه ، مورد ستم و آزار و قرار میدهد . این حاکمیت هرگز نمیتواند در مبارزه فسید
 امپریالیستی مردم در مقابل قرار گیرد . حتی در صورت تحقق نظامی امپریالیسم آمریکا به ایران
 آنها همانند همه حاکمیت های وابسته ، منظور رسمی یا غیررسمی ، درکنا را امپریالیسم قسرار
 خواهد گرفت . حرکت شما ، هر زمانه دوم اینها ، برخلاف تبلیغات جاکمیت به ضرر آمریکا نخواهد
 بود ، بلکه ، بدلیل محتوای این قانون که ، سراجی بفتح امپریالیسم و سرمایه های انحاری است ،
 کاملاً در جهت تحکیم روابط غارتگرانه امپریالیسم است .
 مملعا ، شما ، هرگز چنانچائی را که همیشه گفته ام ، در ۹ ماه گذشته درجی شما می مردم مریکی
 شده است ، فراموش نمیکند . شما خوب میدانید که توبه گری همواره مرگ است . پس بگوئید
 آگاهی خویش را در خدمت ما ، من منافع همه توده های ستمکش بکار گیرید و با عدم شرکت در
 فراندوم ، نه تنها ارتجاع را ، در پیشبرد اهداف باید خود عقیم بگذارید ، بلکه نیروهای
 سازشکاری را هم که ، اینک در فریب توده ها یکمک ارتجاع شناخته اند و بعید نیست شمارا دعوت
 بیای متذوقهای رای بی شما بنده رسوا کنند .

شماره : ۱۶ / ۹ / ۶
 چریکهای فدائی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی
 امپریالیسم امریکایی

تقدیم به رفیق احمد زبیرم چریک فدائی / چریکی که راه خود را از درون زندگی صیادان مبارزان سلسی یافت .
 خطبمغزین و قهرمانانه مردم انزلی که منجر به شهادت ۲۳ نفر از صیادان زحمتکش این منطقه گشته است ما را بر آن
 داشت که جداگانه یک تحلیل اجنالی از شرایط اقتصادی - اجتماعی صیادان شمال کشور بدست دهیم . گرچه بررسی
 وضع حاکمین روابط صیادان بدون برخورد با کن روابط اجتماعی بعنوان یک کل ویا لایق بدون برخورد با سیاستها
 دولت در مورد منابع طبیعی کشور مثل جنگ مراتع و اگر نکوشیم امکان پذیر نمی باشد لایق کافی نیست / ولی
 ما در این بررسی تلاش کنیم هر چه کوتاه تر و تا آنجا که لازمست با اجتناب از تفصیل بیشتر ویا اشاره کلی به روابط
 اقتصادی - اجتماعی / نقد به وضعیت اجتماعی - اقتصادی صیادان شمال بپردازیم . تا جاییکه عملی صیادان آنطور
 که وقایع آنها در اینجا و آنجا شنیده و خوانده ایم بی ببریم ویک موضع درست و انقلابی در برخورد با آن اتخاذ ننماییم .

صید ماهی در طول دریای خزر و رودهایی که به این دریا می ریزند صورت می پذیرد . این رودخانه ها که همگی از طب
 جنگ های دامنه های سلسله جبال البرز من چشمه می گیرند در فصل زمستان محلی خوبی برای صید انواع ماهی ها
 می باشند . و معمولاً گوشت این ماهی ها به علت زندگی در آب شیرین رودخانه لذیذتر از ماهی های دریاست . صیادان
 کدازر در شمال کشور فعالیت دارند / دهقانان کم زمین و یا بی زمین بودند که در گذشته در کنار تولید اصلی
 خود یعنی کشاورزی به صید ماهی میپرداختند تا در زمستان در فصل بیکاری از این طریق در آمدی بدست آورند
 و هم اکنون در روستاهای اطراف سواحل دریا این قسم از دهقانان در فصل زمستان به صید میپردازند .
 ولی در گذشته بتدریج که این دهقانان در اثر از دست دادن زمینهای خود به شهرها روانه شدند و پاروستاهایی
 که در آن میزیستند به شهر تبدیل گشت / دیگر فعالیت آنها در فصل تابستان عمدتاً به پلاو داری و یا فروشندگی
 و نظائر آن در سواحل دریا تبدیل شد / و حتی در برخی از روستاهای موجود در کنار دریا / دهقانان در فصل
 تابستان خانه های خود را به مسافرتی که به کنار دریا می آیند اجاره میدهند و از این طریق امرار معاش میکنند .

مسائل صید صیادان بطور کلی بهمان شکل ابتدائی باقیمانده است زیرا کوتاه نگه داشتن دست تولید معاصر این
 رشته از تولید توسط دولتهای مزدور مانع رشد ابتکارات نوده ها در این زمینه شد . امروزه وسائل مدرن و موتور
 صید بطور عمده در اختیار شرکت شیلات قرار دارد و توده ها توانائی بکارگیری این وسائل را ندارند .

تا قبل از اصلاحات ارضی دو بخش در صید به فعالیت مشغول بودند : الف - بخش دولتی . این بخش گه
 همان شیلات باشد یا وسائل و امکانات مجهز در درون دریا و یا اجیر کردن کارگران که از دهقانان بی چیز
 مناطقی مختلف و عمدتاً دهقانان آذربایجان بودند / به صید میپرداختند و ما میمان صید شده را به شیلات
 خانی از کشور صادر می نمودند . شیلات بیشتر به صید ماهی " اوزون بوزن " (خاویار) میپرداخت و در همان
 موقع هم صید این ماهی از طرف مردم ممنوع بود . گرچه مردم وسائل لازم برای صید این ماهی را که دارای جهت
 بزرگی است / نداشتند ولی مهربانان در صید آن علاوه بر ممنوعیت قانونی ممنوعیت شرعی هم برای مردم وجود
 داشت و چون در شرایط فعلی این ماهی حرام است . میگویند انگلیسیها برای اینکه صید این ماهی را گنه
 تخم آن همان خاویار است بطور قطعی برای خود نگه دارند به ملامت رسیده دادند تا آنها حرام اعلام ندارند
 بـ در بخش دیگر صیادان (همان دهقانان و اهالی شهری که در بالا اشاره شد) بودند که بیشتر در رود
 خانه ها به صید ماهی میپرداختند . رودخانه ها در این مسیر شرایطی که روابط تولیدی قنونی وجود

داشت در املاک پهلوی برخی از آنها هم جزو املاک دولتی بودند / در آن زمان صیادان این رودخانه هارا کسه اکثرًا در مالکیت افراد و مالکیت املاک پهلوی قرار داشت (در فصل صید) اجاره می کردند و یا پرداخت اجاره که معمولًا مبلغ هنگفتی بود به کارگزاران می پرداختند . آنها ماهیان صید شده را یا خود به بازار شهر عرضه میکردند و یا به دکانداران شهری می فروختند و آنها ماهی ها را برای بازار عرضه میداشتند در هر حال مردمان زیادی تا در این رابطه اضرار فاحش میکردند.

برنامه اصلاحات ارضی که به منظور تسهیل گسترش سرمایه امیرالیستی در شهر روستا پیاده شد / موجب تغییرات زیادی در اقتصاد روستا بلقح امیرالیستی و تحسین فقر و فلاکت تواریهای ما شد . اصلاحات ارضی منابع طبیعی کشور را تلی اعلام کرد و آثار در اختیار بورژوازی کیرادور نهاد جنگ های ما به بهانه جلوگیری از بهره برداری بی رویه

از طریق طرحهای بهره برداری مورد غارت بورژوازی وابسته قرار گرفت . مراتع کشور با بهانه دیگری کاساسا چیز جز بیان دیگری از همان بهانه نبود . ملی اعلام شد و زمینهای که میتوان مراتع در خدمت دامداری ملی ما بود به شکارگاههای خصوصی و زمینهای کشاورزی در ایران و سرمایه داران تبدیل شد .

در نتیجه امروز ما شاهدیم که دامداری ما نابود شده است . زمین دامداری ما از زمین بردن تلاطری رسته فعالیت برای بورژوازی کیرادور در بخش امیرالیستی فراهم شود / و از طرف دیگر با آواره نمودن مردم روستاها که اجرای این برنامه ها به دنبال خود داشتن ارتش بیگاران که لازمه صنعت وابسته است در شهرها فراهم شود . میدیم که چگونه بورژوازی

کیرادور با استفاده از تسهیلات دولتی (مصافحت گزنی پرداخت هزینه حمل و نقل احشام) به غارتگری می پرداخت و امروز مشاهده میکنیم که چگونه با قرار این سرمایه داران خلق ما که اقتصاد ملی اش بطور کامل توسط اقتصاد امیرالیستی از هم پاشیده است از کمبود مواد اولیه حتی گوشت تخم مرغ . . . در رنج است و دولت کومونیس

عقلی در جهت احیای اقتصاد ملی نمی کند و با بی نهایت تلاش در براه انداختن "چرخ اقتصادی مملکت" یعنی همان تولید که در دست به اقتصاد امیرالیستی وابسته است میکوشد . اقتصادی که بدون وجود سرمایه داران وابسته همانطور که امروز شاهدیم قادر به تهیه بهترین احتیاجات حیاتی مردم یعنی گوشت و . . . نیست .

چرا رژیم بعد از اصلاحات ارضی برخی از منابع ثروت اجتماعی همین مارا . ملی اعلام میکنند و به خدمت خود می گیرد و چرا شیلات را ملی اعلام میکند؟

با اجرای برنامه های اصلاحات ارضی رسته مساعدی برای گسترش سرمایه های کلان امیرالیستی فراهم شد . با ورود این سرمایه ها بداخل کشور برای دولت وابسته وظایف جدید تری ملن شد اولًا دولت ارتش و دستگاههای بوروکراسی عریض و بلویبتری را احتیاج دارد که به مراتب از آنچه که قبلاً وجود داشت پرهزینه تر است . دولت باید تسهیلات لازمه

برای ورود سرمایه های امیرالیستی را فراهم سازد . گمرکات بنادر / راهها (آهن / شوسته) فرودگاهها / وسائل ارتباطی (تلفن تلگراف براد پوستلوزیون) و . . . برای ورود نیاز این سرمایه ها را فراهم سازد . تمام این اقدامات را چه با برنامه ها و راه در حقیقت برای ویرانی اقتصاد ملی پیاده میشوند و برای اسارت هرچه بیشتر این کشور عاست تحت

عنوان قواعد فرضی توسعه و پیشرفت رشد اقتصادی انجام میدهند . اجرای این طرحها و وظائف و هزینه های زیادی برای دولتهای مزبور دربر می آید . معمولًا این دولتها از طریق اخذ وام از دول امیرالیستی این تسهیلات را انجام می دهند . ولی بر برخی از کشورها مثل کشور خود ما ایران که از منابع طبیعی سرشاری مگ فقط مواد معدنی

شیلات / جنگل و . . . برخوردار است دولتها یا این منابع طبیعی را به آنها واگذار کرده و یا این منابع ثروت را

نام عوام فریب‌گلی تمام درآمدهای خود اختصاص میدهند تا از این طریق تعهدات خود را نسبت به سرمایه‌های امپریالیستی

انجام دهند. یکی از آن نمونه‌ها که می‌خواهیم در اینجا بطیلاً جنبش مردم‌انگیز موری بررسی قرار دهیم صید ماهی است. تا قبل از اصلاحات ارضی/ شیلات/ این موسسه دولتی با تجهیزات و امکانات کافی به صید ماهی در آبخیزها و ماهی‌سای صید شده را به خارج کشور صادر میکرد و درآمدش به صندوق دولت وابسته‌تر از هر چیزی میشد. ولی در کنار آن میدان برای تامین مواد غذایی مورد نیاز داخلی به صید ماهی می‌پرداختند. ولی بعد از اصلاحات بطور فزاینده دولت مزدور محمد رضا شاه با شعار مزورانه جلوكيری از صيد بی رویه شدیداً با "واکنش ملت" وسیله محرک مردمی یعنی اسلحه جلوكيری در گونه صيد از طرف مردم گرفت و مردم شهر از صرف این مواد غذایی محروم شدند. یعنی این سالک ^{مردم} سالک

بلافاصله پس از ملی شدن صيد/ بر سر هر رودخانه نزاران مسلح گمازده شد و هر چند رودخانه‌های زیادی در آن زمان قرار گرفت و در روزهای ورودی هر شهر ویا شهرکی زیر کنترل شدید ماهوران مسلح قرار گرفت تا مبادا افرادی صيد شده در روز چشم ماهورین مسلح به سایر نقاط حمل شود. رژیم مغز پهلوی با تمام امکانات خود سعی در کوتاه کردن دست صيداران از صيد نمود. بیکار کردن مردم این خطه از این ماده غذایی بی بهره شدند. مخم و نفرت تمام مردم نسبت به رژیم بواسطه اینکه صيد ماهی مستقیماً تا همین گونه مواد غذایی شان بوده برانگیخته شد. بواسطه این رابطه تنگاتنگ انت انت کمپار از عیداران بلافاصله مورد حمایت مردم قرار گرفت. رژیم مغز پهلوی برای اینکه وظائف خود را بدرستی انجام دهد برای اینکه ماهیان در

دریا را بطور کامل برای کشورهای امپریالیستی نگذارد و برای اینکه از نفع درآمد حاصل آن بتواند وظایف خود را در جهت منافع امپریالیستی بدرستی انجام دهد سفاکانه بسوی صيدارانیکه در دل شب و در سرمای سوزان و استغنی با قضایا اینست آنی بپیاکانه دل امواج غضبناک و خروشان دریا را میشکافند. گلوله‌های آمریکائی شلیک میکرد آنها را دستگیر و جرمه ویا زندانی

مینمود ولی از آنجائیکه زندگی مردم این خطه باین امور وابسته بود و اینست که اینگونه سرکار مبارزه با طبیعت قهار مبارزه با رژیم سفاک را با خشم و عجز هر چه تمامتر بیا فریاد مبارزه با رژیم سیرشان در مقابل شلیک گلوله دستهای خالی

و سینه فراوی و دفاعشان بود. ولی صيداران قهرمان ما از پای ننشستند و علی‌رغم تازگیهای مصلحت‌و شهانه آنیکه در اینسن رابطه داده‌اند به صيد یعنی عمده‌ترین مصدر زندگی خود ادامه میدادند. عاقبت الامر رژیم دست‌نمبه خیل جدیدی از رژیم ادعا میکرد تمام این صنوبرها بخاطر جلوكيری از صيد بی رویه است و همین‌چوچه ضد تدارک که روزی صيداران را ^{ببر}

پس پیشنهاد کرد که صيداران در یک شرکت تعاونی حلی شوند و به صيد بپردازند.

شرکت تعاونی صيد :
شرکت تعاونی صيد اصولاً بخاطر این تشکیل شد که نشان دهند ضد رژیم این نیست که صيداران را بیکار کند بلکه برای جلوكيری از صيد بی رویه است. در حقیقت شرکت ضمن تأمین کار برای صيداران از مهارشان استفاده نکرده تا ماهیهای صيد شده را به خارج از کشور صادر کند و از روی آن به بازار داخلی جلوكيری نماید نحوه عملکرد شرکت تعاونی چنین است شرکت

قراردادی با یک نفر بعنوان سر صيدان در مدت تعیینی (فصل صيد) می‌بندد تا تا صید در مذاکره‌ایک شیلات تعیین میکند با استفاده از کارگران صيدان که خود استخدام میکند صيد نموده و ماهی صيد شده را کلاً تحویل شیلات دهد. شیلات این ماهیها را به قیمت تاز که در سال خود تعیین میکند و بازار آزاد ویا صيداران بهیچ وجه در آن دخالت ندارند. از

صيداران می‌خورد. وسایل و امکانات لازمه را جملگن شیلات در اختیار سر صيدان قرار میدهد و این وسایل عمکی ابتدائی هستند همانطوری که قشیم صيداران بهیچ وجه حق ندارند ماهی صيد شده را به غیر از شیلات به کسی دیگری عرضه کنند. در حقیقت

حق خرید انحصاری از آن شیلات استوار کرد. این زمین تخلیف صورت گیرد/ یعنی اگر صیاد ماهیهای صید شده را به کس دیگری عرضه ویا حتی اگر بران صرف خانوادگی خود بر دارد قرارداد منفس میگرد و شیلات دیگر هرگز با آن قرارداد نمی بندند. بطالین که گفته شد نشان میدهد که چگونه منابع طبیعی کشور نیز نیروی کار این جوامع در خدمت نیازمندان بیهای اقتصاد امپریالیستی است علاوه بر آن گفتنی است که کارگران شیلات اقصا تمام شرایط بدتر از شرایط قرون وسطی بسر میبرند از هیچگونه حقوق طبیعی برخوردار نیستند محل کارشان عمان الاقیقهای است که در کنار دریا بناگردد. . . میسازند. سوز و سرما در کنار دریا در فصل زمستان هر آن جیان کارگران را در معرض خطر قرار میدهد و گفتنی است که کارگران شیلات از هیچگونه حقوق صنفی برخوردار نیستند / آنها بیشتر کارگران فصلی هستند/ و هر وقت که شیلات بخواهد می تواند کارگران را اخراج کند/ محل کارشان طوری است که سلامت کارگران در شرایط سرما و توفان سوزنده دریا در خطر است. و عمایطی که گفتیم شرکت تعاونی در حقیقت وسیله ای برای استفاده از مهارت صیادان محراب در امر صید و تربیت و فروش ماهی در بازار قاطع آن بود. روزی به آن چیزی که میخواست یعنی صدور کامل این ماده غذائی به خارج و نیز شش ماهی در آن حاصله از آن وسیله دولت جهت خرید به امپریالیسم/ نائل آمد. مهارت بیگانه صیادان مهارت محلی معنوی بود و برای مردم و صیادان بیگانه بود. باعث شد که در کنار صید کمپرادوری یک صید آزاد بنام صید "تاجان" شکل بگیرد. صیادان با استفاده از صیاد بدون ادوات دولتی به ماهی صید کرد شیلات و از آن برای ماهانه مقرری شایسته بعنوان رشوه صیادان و آنکه آزادانه به صید می پرداختند بنابراین با توجه به مسائل ابتدائی صید و کجایی ماهی در بازار و رشوه رشوه قیمت ماهی بسیار گران بود. و تنها متعولین قادر بر صرف ماهی بودند. و این موضوع همواره ناراضی بشدید صورت گرفت به رژیم قیاسی میبود. بنابراین در کنار این ماهی صیادان به از قیام همین روز هم ماهی صید را اندر امری و کار شیلات دیگر کنترل دولتی در امور صید از بین رفته و صیادان در ابتدا آزادانه به صید ماهی می پرداختند / جالب اینجاست که مردم چین بیاطر و بیفروتن را در این / رشوه / که از بلندگوهای تبلیغاتی خود شعار ضد سرمایه داری و بسته را میدهند. حتما صید را آزاد میکنند و دیگر از حرکت انقلاب مردم از این ماده غذائی بهره مند میشوند و اگر بر اثر فرار سرمایه داران کپیاردور کمبود مواد غذائی از جمله گوشت شدیداً احساس میشود / در عین صیادان / این مردان صبور و زحمتکار با بازان نیرومند خود غذای مردم را تاهین می کنند و دولت هم باید از این زحمات صیادان بسی قدرتی کند. و لیس ضلعتان / این مردمانی که زندگی به آنها همواره در سپاس آمیزت / این مردمانی که به اقتضای طبیعت کار خود شمان کون آرامش ظاهری دریا را خواهند خورد و همواره هوشیارند و همواره پس از هر آرامش انتظار طوفانی بسیار ناگهانی دارند / طوفانی که زندگی و تمام ریاضت تولیدیشان را در یک طرفه المین درهم پیچیده به قلب دریا میسازد / عوشارانه از زمین برای روشن شدن زمین خود تمام اقدامات قانونی را انجام دادند / آنها از فروردین ماه ملی نامه ای به سران دولت و امام خوشتار روشن شدن وضع خود بود و مانند ولی رژیم به هیچوجه به آنها پاسخ روشنی نداده و امروز با سه فردا موکوب کرد. زیرا برنامه رژیم از زمین معلوم بود و آن این بود که با عمامی شمار گذشته جلوگیری از صید بی روشنی و رابط گذشته را ادامه دهد. و این چیزی بود که نه مردم و نه صیادان نمی توانستند بپذیرند و رژیم میدانست که مردم به مقابله با آن خواهند پرداخت و رژیم تا آن موقع هنوز مردوران شوی خود را سازمان نداده بود موضع خود را روشن نمیگردد. بتدریج کمزوریان رشو سازمان می یافتند ما اینجا و آنجا شاهد معانعت های پاسداران از صید بودیم ولی این بنسار تحت نام "حفاظت از بهت المال" این معانعت ها حتی در برخی از نواحی منجر به برخورد شدید شد. بالاخره هر چه که فصل صید در هر یک از صیادان خواهد بود و مشکلی که در دولت فشار میآورد. صیادان گروه گروه در استانها

فرمانده اربابا و... تخصص می نمودند و خواستار روشن شدن وضع خود بودند و دولت همواره موضوع را به امروز و فردا موکول میکرد. نتیجه تمام این اقدامات صیادان منجر به عقد توافقاتی بین دولت و صیادان شد. طبق توافق طرفین صیادان آزاد و شیلات تا تعیین تکلیف قطعی یعنی تاریخ ۲۵/۷/۵۸ از صید ممنوع شدند. صیادان که در این دوران گرانی و قحطی کمرشکن مانند تمام زحمتکشان تاب و تحمل آنها را از بین برده بود / بن صبرانه منتظر پایان موعده مقصد نشسته بودند ولی ناگهان با تمام کمابذی وضع در فصل تابستان با تعجب مشاهده کردند که در روز ۲۳/۷ یعنی ۲ روز قبل از پایان موعده توافق شده / شیلات اقدام به صید ماهی نمود. این عمل در شرایطی از طرف شیلات انجام میشد که قبلا در این فاصله برای مقابله با مردم / مردمی که در انتظار فرارسیدن موعده مقرر روز شماری میکردند نیروی خود را بوسیله فراخواندن پاسداران کلکی از مرکز تقویت کرده بود.

ولی بر خلاف تصور بیکاره در شعله های خشم و نفرت مردم محاصره شدند. مردم برای قطع کردن دست این مزدوران از منابع طبیعی بیکارچه به اتوبیله های حامل ماهی شیلات حمله بردند و تمام ماهیهای صید شده را صادر کرده و آنرا بین مردم تقسیم نمودند. این آغاز درگیری مردم بود با مزدوران شیلات که قبلا برای خونریزی به این شهر آمده بودند. مزدوران در انتظار این لحظه کین کرده بودند و به محال اعتراض بسوی شیلات رفتند بطرف آنها شلیک کردند. بیکاره شهر بیکارچه علیه رژیم متحد گشت خیر این جنایت بلافاصله به تمام شهرها از طریق کومه ارتباط صیادان این خطه رسید و صیادان شهرها / بسرعتا برگی کمک بر فضای خود به انزلی سرازیر شدند. خشم و نفرت مردم به حدی بود که دیگر گلوله های این مزدوران / خللی در اراده شان نمیتوانست بوجود آورد / هرچه رژیم در موضع خود باقی میماند / مردم متحد تر و ششگ تر میشدند. شعار "رفیق خمینی / رفیق دولت وابسته /" همیتل سر آسوده بخواب خمینی بیدار است / بسرعت ورد زبانها گشت موب و در دیوار شهر را پرشانند / ترس بر اندام رژیم افتاد و بلافاصله با یک مأمور تاکتیکی به عقب نشینی پرداخت آنها که در ابتدا مبارزات مردم را ضد انقلاب و... مینامیدند آنها که این مبارزات را تحریکات ضدانقلاب مینامیدند بیکاره لحن گفتار را عوض نمودند / آنها تمام این اقدامات را با گردن مسئولین شیلات گذاشتند و خود را از این اقدامات بی اطلاع نشان دادند. آنها باین طریق خواستند سمت اصلی مبارزات توده ها را منحرف سازند و خشم و نفرت مردم را بسوی مسئولین امور جلوه دهند نه کل رژیم و سیستم. بلافاصله صید را بطور مشروط آزاد اعلام کردند. صید آزاد اعلام شد مشروط بر اینکه صیادان ماهی حرام گوشت یعنی همان ماهی خاویار را صید نکنند. شیلات کماکان خاویار را برای صدور به هتل های غربی در انحصار خود نگه داشته با اعلام موضع جدید صیادان با قفسه و ام ابزار و وسائل صید تهیه کردند. ولی بنظر ما این یک عقب نشینی تاکتیکی است اگر رژیم بتواند به بحران درونی خود فائق آید / بلافاصله بشکل دیگری صیادان و مردم را از ماهی محروم میکند. ولی در این شرایط دولت چون مواجه با مقاومت وسیع و قهر آمیز صیادان قهرمان خواهد شد / از هر گونه اقدام دیگری خود داری برزیده است.

با ایمن پسه پیروزی راهمان

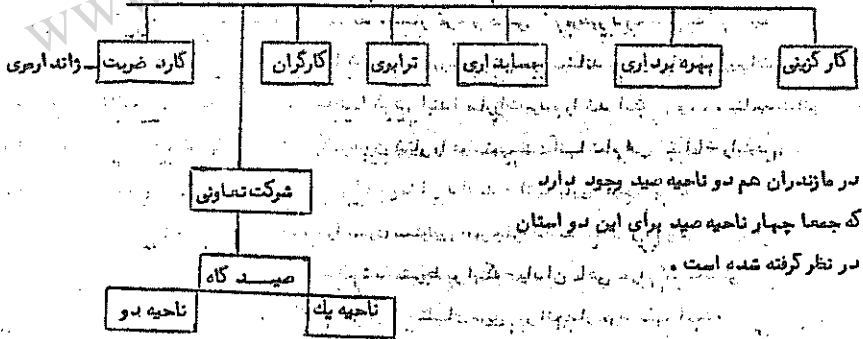
در حاشیه شیلات بندر انزلی و چگونگی عملکرد آن

شیلات بندر انزلی در سالهای گذشته به علت اینکه در سواحل جنوبی بحر خزر واقع می باشد و این منطقه از نظر صید ماهی اهمیت بسیاری دارد / ابتدا توسط روسها تأسیس شد . در آزمون کثیر بهره برداری آن توسط روسها کنترل میشده است . در سال ۱۳۳۲ بواسطه بدکردن بهره برداری مستقیم آن از دست روسها خارج شد . در آند شیلات هم اکنون از ماهی خاویار که به کشورهای دیگر جهان صادر میگردد / تأمین میشود بطوریکه طبق آمار تخصصین بهره برداری در سال / ۱۱ الی ۱۲ میلیون تومان ضرر نشان میدهند که این مبلغ از راه فروش خاویار در تأمین میگردد . شیلات شامل این قسمتهاست :-

- ۱ - هیئت مدیره
- ۲ - اداره کی شیلات کیلان
- ۳ - اداره کی شیلات مازندران
- ۴ - سازمان تحقیقاتی شیلات
- ۵ - تکثیر و پرورش ماهی - کتالیم شیپورانی - صید بینگر - رشت
- ۶ - اداره کی امور مالی
- ۷ - امور اداری

در زمان تأسیس شیلات بندر انزلی در سال ۱۳۳۲

هیئت مدیره



تا حسن رود کپورچان

ماهی صید شده در کپور صید شده است. طاق انجماد - طاق نگهداری - بازار صرفی که شامل ۱ - داخلی (فقط ماهی قلمی - کپور سوخا / ماهی سفید / کفال / زرد پرو) ۲ - بازار خارجی (ماهی غضروفی) که شامل کشورهای اروپایی و آمریکا میباشد .

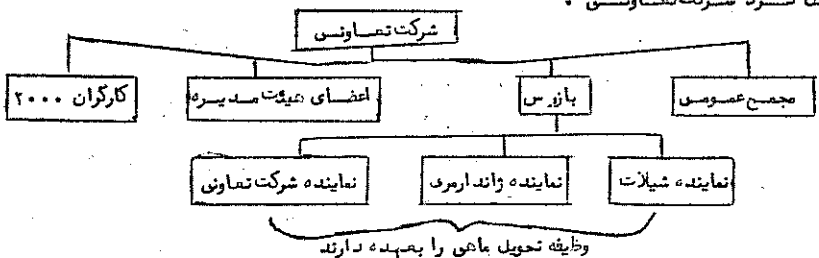
با توجه به نمودار فوق به نقل و ابستگی این موسسه ضد صیادی (بقرل مردم) و وابستگی آن به کشورهای سرمایه داری می خواهیم برد . گارد ضربت شیلات / که چنان سرکوبی برای صیادان آزاد بوده است با مجهزترین قایق ها به

به گشت زنی مداوم میرداخته و در دریا و خشکی بتعمیق صیادان مشغول بوده است . بنا به اظهار یکی از کارگران شیلات / در سال چفته میلیون تومان بحساب واگذارمری در تهران واریز میگردد . سرکوب صیادان به بهانه های " صید بی رویه " / " انقراض نسل ماهی " و . . . صورت میگرفت . کارگران شیلات در قسمتهای فروشگاه ماهی سردخانه / انبار و ترابری کار میکنند . در رژیم سابق گروه کثیری از کارگران شیلات یکبار برای کسب پاره ای حقوق خسود دست به حرکات اعتراض آمیز زده / از جمله از تخلیه انومبیلهای حامل ماهی و تکمیل ماهیها جلوگیری بعمل آوردند و در رابطه با خواسته های خود اعتصابی براه انداختند که توانستند کارگران قسمت ترابری و کارمندان شیلات را نیز به این اعتصاب بکشانند این وضع مدت چهار ماه ادامه داشت و در طی این مدت کار صید و فروشیهای را شرکت تعاونی بسجده داشته . بعد از ۲۲ و ۲۱ بهمن / کارگران نمایندگان برگزیدند / تا از طریق آنان / در پاره پاره های خواسته های صنفی خود (طرح طبقه مشاغل / بدون گروه وظایف کاری) با هیئت مدیره وارد مذاکره شوند .

شرکت تعاونی و رابطه آن با شیلات :

قبلا " هدف از تشکیل شرکت تعاونی را دیدیم / این شرکت برای شیلات نیروی کار ارزان دست و پا مینماید . بدین طریق که در شرکت در فصل غیر کشاورزی که روستائیان برای تا بهین مایحتاج زندگانشان روانه شهرها میشوند / قسمتی از این نیرو را جذب و چون این شرکت متعهد به صید شیلات است / در زیر چتر حمایت ابزار سرکوب شیلات (واگذارمری) قرار دارد و با گذاردن وسائل صیادی و وام در اختیار این نیروهای کاری و ورزیده که از روستا به شهر آمده اند و بدلیل وضعیت اجتماعی / از سطح توقع پائینی برخوردارند / به استیوار آنها می پردازد . اغلب این کارگران از شهرهای خلخال / مشکین شهر / اردبیل به آستارا تا آستراآباد منتقل شده و در سالنهای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری اسکان داده میشوند (نمونه این وضع را در چمخاله لنکورد می بینیم) تهیه وسایل زندگی بسجده خود این زحمتکشان است . ششسره کار آنها یعنی ماهیهای صید شده کیلوش ۳۰۰ ریال به شیلات تحویل داده میشود (البته با تلفاتی که ناشی از لقیقت و لیس نمایندگی شیلات و واگذارمری و شرکت تعاونی است) ظاهرا شیلات این ماهی را کیلوش ۳۵۰ ریال بفروشد با در نظر گرفتن هزینه حمل سردخانه سنگداری و چنین امری موجب ضرر شیلات خواهد شد اما این ضرر اساسا فروش خاویار جبران میگردد . در بندر انزلی اغلب صیادان شیلاتی ضوابط این شرکت را به علت فقر اقتصادی قبول میکنند تصدات صیادان در کل گیلان در حدود ۲۰۰۰ نفر است که در ۲۷ شرکت تعاونی عضویت دارند .

عملکرد شرکت تعاونی :



محل صید شرکت تعاونی در بندر انزلی / حسن رود (۵ کیلومتری بندر انزلی) و کپورچال (۷ کیلومتری این بندر در جاده رضوانشهر) میباشد بدینوسیله است قیمت ماهی صید شده را شیلات با توجه به ضوابط خود تعیین می نماید و شرکت صیادان (کارگران) دخالتی در آن ندارند که این دلیل استثمار شیلات است .

صید شده را در اختیار فرمانداری انزلی قرار دهد و روشگامی از طرف شهرداری آنها را بفرشند. ولی با توجه به اینکه شرکت تعاونی امکاناتی از قبیل ابزار ماهی در سردخانه و امکانات شور کردن ماهی و... رانده است فرماندار از قبول امر

سر باز زد.

شیلات عمدتاً وظایف زیر را بنفع سرمایه داران وابسته انجام میدهد:

۱- سوسیله این مؤسسه که در این منطقه "جنوب خیز" واقع است و عدم ای از صیادان قدیمی در آن کار میکنند کلیه موارد صید و طالعیه چگونگی آن توسط کارشناسان شیلات تحت کنترل قرار میگیرد. در حال حاضر فقط قسمت اداری آن سوخته و سایر قسمتها کار انجام میدهد.

۲- با توجه به وسایل سرکوب نهائماً به دستگاههای بیروگراسی وابسته کله نموده و منافعشان را تا همین می نماید صدها ماهی غرضوف به آمریکا سوکندهای اروپایی که طار قرار داده اند. انجام میگیرد و خوابار که سود سر شاری نصیب کشورهای غارتگر می نماید.

۳- معمواره صیادان / شیلات را با منافعشان در تضاد می بینند و چون برای صید آزاد راه چاره ای ندارند عده کمی در خدمت این مؤسسه ضد مردمی قرار می گیرند.

۴- سایرین مؤسسه به بهانه های از قبیل صید بی رویه / مقرر شدن تعداد ماهی مقومل میشود و حال اینکه این توجه خواننده را فقط برای صیادان آزاد مردم سر میدهد و در عوض خود با نورافکنهای بسیار قوی به صید می پردازد و با توجه به شناسایی مناطق دریا و صید ماهی / مخصوصاً خوابار سود کلانی بدست میآورد.

بیشتر صیدها با "گشتی صیادی" و "گرچ" انجام میشود. شرکت تعاونی چه وظایف در رابطه با شیلات انجام میدهد:

۱- واسطه ای است با تقویه دولتی که نیروی ارزان کار در اختیار شیلات قرار میدهد (از آستارا تا استرآباد)

باعث میشود که مردم شیلات را مستقیماً در برابر صیادان قرار ندهند / و با ایفای نقش میانجی / رویوشی برای عمل فساد مردمی شیلات فراهم میکند.

۲- سهام داران وام و اعتباراتی از قبیل تور سوسایان ماهیگیری دیگر باعث میشود که شمره کار صیادان عضو شرکت را مستقیماً در اختیار شیلات قرار دهند.

صیادان آزاد و رابطه شان با بازار صرف:

صیادان آزاد مانند خوش نشینها یا کارگران کارخانه میباشند که جز نیروی کار چیزی ندارند. شمره کارشان تمسب سرمایه داران محلی و واسطه ها و سماک گمنی که ماهی را شور میکند میگردند. این صیادان در فصل بهار و تابستان تمیر صید "از سماکان پول فروش میکنند. در فصل صید "پاییز و زمستان" سرمایه داران تور و وسائل دیگر در اختیار ماهیگیران که خودشان به آنها قرض داده اند میگذارند. به این ماهیگیران "مالا" یا "تاله" میگویند. این ماهیگیران صید میکنند و به بازار به جلوی دکان همان سماک میآورند. در این جا واسطه ها ماهیها را درجه بندی میکنند و همیشه درجه ۲ و ۳ از درجه ۱ یعنی ماهیهای خوب و اشیلان یا باصطلاح محلی "باج" بیشتر است. نرخ بازار در دست واسطه هاست که با سرمایه داران محلی تمام مستقیم دارند. ماهیها را حراج میکنند که خریدارانشان اغلب دلالها یا دلال همان دلالان میباشند. پولیکه سماک از این باب به ماهیگیر میدهد با احتساب واسطه کارها و قسطی که بابت استیلاک قرض کسر میگردد مبلغ ناچیزی خواهد بود که ماهیگیر به سختی میتوانند توسط آن زندگی خود را تا همین نماید (تازه اگر جوان جسم باشد و نیروی کار داشته باشد) بازار فردا آن همان و کباب همان خواهد بود. بدلیل اینکه دریا معدن نیست و تضمین

تولیدی ندارند نمی توان این نان خوردن را بومیه دانست و چه بسا بعثت کولاک بود دریا و احتمالات دیگر ماهیگیر
 نون توانی قهر خود را بدهد در این صورت وام سال دیگر کم شدن خواهند شد و ماهیگیر بصورت اخیر و در صورت مسامحت
 در میاید و تمام شوه کارش بدون کسب کسب است. هر اختیاری سماک و سر ماهی را از قرار میگیرند و با گذشت زمان و بزرگ شدن بصورت ماهیگیر
 کاسه یک سنت فروش کنار خیابانها همه فروشی / ۲۰۰۰ فروشی ۰۰۹۰۰ میکنند .

سماک مملکت را بجز حوضهای مخصوص و در یک وقت دیگر را بصورت دیگری در کارگاههایی که مخصوص این کار است
 آماده میکنند و آنها را تیر فعلی و با مسکه به قیمت گزاف می فروشند و اغلب این سماکان با سرمایه داران قزاقی شغلی دارند
 و چون لبروگرتشان یک ماهیگیر و صید بوده و بنا زائد امری و ساواک ساخت و ساخت دارند منافع سرشاری از این راه بهمیب
 شان میرود . قبل از انقلاب صیادان گذشته از خطر دریا / یا خطر زائد امری و شکاریانی مواجه بودند که این مشکل
 با دادن رشوه و سر خوردانی زائد ارمهای لاتخوری و ما هورین استخوان لیس شکاریانی حل میشده است ولی در اواخر

سال ۱۳۵۵ و اوایل سال ۱۳۵۶ تعرضات و درگیری بین صیادان و این مزدوران جلاذ نهاد شده و آنچه قابل ذکر است
 اینست که صیادانیکه با این جلاذان نمیکشند یا حتی پول رشوه را هم ندانند اشتباه که بپزدارند این نخاصان شدند گله

نمونه های شان در روزی آبیاد بندر انزلی زیاد وجود دارند صیادان بطریق کوناگون با این امر مبارزه و مقابله میکنند
 چه بصورت فرار و چه به طری مختلف دیگر . اینک چند نمونه از درگیریها و مقابله و تعرضات صیادان را ذکر میکنم

۱- در سال ۱۳۵۶ صیادی از ده ترکستان کنار مرداب انزلی "به ما" هر محیط و نسبت نسبت بگرفتن رشوه اعتراض میکنند و
 وسایل صید ترا به او نمیده که این عمل باعث درگیری میشود و او را با یک کاری به اندازه محیط نسبت آتزی میزنند
 و دو انگشت شست او را از پشت بسته و در حالی که فریاد میزد "پس من دینت سه هزار تومان به شما دادم چه شده چرا"

مرا میزنید؟" ما هورین شکاریانی او را تا صبح در سترا زندانی کردند و پس از پیونده سازی و جرم تراشی (بجزم بستن
 ۲۵ عدد ماهی سفید غیر مجاز) وی را بدادگاه میفرستند . در دادگاه بحرفش که میگفت ترا زندان گذاشتند و بجزم بستن

صید غیر مجاز / ۲۵ عدد ماهی سفید را از او گرفتند در صورتیکه دوستش میگفت با تازه شروع به صید کرده بودیم
 ۲- سدر سال ۱۳۵۵ در مرداب یک شکارچی بطرف ما هر محیط نسبت که میخواسته وسایل شکار او را بگیرد هجوم آورده
 و برخاسته میگفت و بعد از آن آنداختن ما هر قرار میکند ما هورین دیگر او را تعقیب میکنند ولی او همچنان فرار میکند و چون

شکارچی بوده با تفتش شکارچی اش بفرشان تیر اندازی میکند . محافظت او را دستگیر میکنند و پس از اینکه به شکاربانسی
 میبرند فرار میکنند .

۳- در سال ۱۳۵۵ در آب انبار جوان صیادی بطرف و اندامی حمله میکنند و پس از درگیری او را تک تبه و تفنگه و اندام را
 بر خطه ارا و فرار میکند و در این رابطه جوان صیاد ۶ ماه در شهر یانی بندر انزلی حبس میشود .

۴- در زمان ۱۳۵۶ شخصی در رابطه با افشای چپاولگریهای شکاریانی بپهرای سرمایه داران محلی در رابطه با
 اجازه ؟ روزنامه حفاظت شده لایحه درویشان که در فعل مهاجرت ماهیان فصل تخم ریزی ماهی بسیار فراوان و آسان
 در آن ضمیمه میشود و همچنین بویلا کردن اساسی بطرفهای این قرارداد تنگی سرمایه داران محلی و خون آشام صیادان
 انزلی که مورد شتر تمام صیادان هستند و دیگر اعمال آنها که حقیقی و ما مانده از آن مرد میگویند / به ساواک انزلی فرخواستده

شده این شخص بعد از خوردن آن یک فصل که بتصرف صیادی دیگر خون خشک شده ناشی از ضربات سنگین و سخت دیده
 میدهد / به رئیس ساواک فضل خاکی گفت شما بزنید من حرفم را خواهم زد اینچنان باشد تهران / در شکار بان خواهم
 گفت پرونده این در تنق که به میلیون تومان بونده هنوز که هنوز است در دادگاه انباری مرکز سیروسولوک عرفانی میگردد .

در آبانماه ۱۳۵۷ تمام پاسگاهها توسط دهقان محلی به تصرف درآمده و بعد از فرار ماهورین و تخلیه آنها بهاتن کیشوده خد پاسگاههای شکاریان آبکار محاصره و استند سرکستان سیاه درویشان و نیز در ویرج دیدمانی و کهمانسر تریاک کشیهای عبدالرضا بیلو و صالح به آتش کشیده شد . در این عملیات دهقانان تماما مسلح بودند .

در سال ۱۳۵۶ استند سه محیط بان در سرکستان به نام صیادان مسلح افتادند که از طرفی زنبای روستای بطرفشا سفک پرتاب میکردند و از طرف دیگر صیادان با تفنگهای شکاری به آنها تیراندازی میکردند . آنها وسط رودخانه گیر افتاده بودند و پس از ساعتی به کنار رودخانه آمدند و بر دم آنها را محاصره کردند و کتک جانانهای به آنها زدند و یک محیط بان کت داشته و از ترس تیراندازی نکرد پس از به آب انداختن ولجن مال کردن آنها صیادان کاری کردند که آنها فرار را بر قرار ترجیح دادند .

آنچه پس از واقعه انزلی در این شهر دیده میشود :

ماهیگیران اخیرا از تحویل ماهی جهت نگهداری در سردخانه شیلات خودداری میکنند . بنا به گفته یکی از کارکنان شیلات / این موزه اصلا ضرر حیثیتی بهار خواهد آورد . در حال حاضر هم ماهی زخاویار صید میکنند . تیر ماهی بسیار زیادی به وسیله ماهیگیران آزاد بر دریا گذاشته شده اند . قرار دادهای بین البلی با آمریکا و کشورهای اروپایی هنوز با برجاست صیادان شرکت تیماوتی حال دیگر آزاد صید میکنند و خود میفروشند و ماهیهای صید شده را به شیلات تحویل میدهند و بعد از آن در سردخانه های خود نگهداری میکنند .

مسائل مربوط به بازار صید ماهی

این روزها بندر انزلی پر از ماهی است . هر صفازه گاشی / بقالی / سبزی فروش ماهی نیز در بندر دارد . در سال ۵۱ سال اخیر این اولین بار است که مردم میبینند ماهی " حراج " شده است . قبلا وقتی مردم از شته بازار (جای ماهی که ماهیها را تقسیم کرده و بفروش میمانند) عبور میکردند / چهره شان غیور گرفته بود و با نثار چند فقره سبزه سبزه کرائی و کبوتر ماهی / بازار را ترک میکردند / ولی حالا در هر گوشه ای از این بازار مردم با خوشحالی میتوانند ماهی بخرند . طبق یک خبر در روز

از جمله آثار وضع جدید که بوضوح دیده میشود / بیستگه مرشاهی که از کارخانه کانی جوجه سازی امیرالیستسبا نتر آمده اند در اولین مغازه های مرغ فروشی انباشته شده / گوشت گاو و گوسفند فراوان شده و همیشه در قصابها موجود است (که در واقع نشانه بی اعتنائی مردم به این مواد غذایی خارجی در حضور غذاهای داخلی است) . مرغابی و چنگر که خوراک خانواده های کم درآمد است ارزان شد / این وضع از استرا تا استرآباد جریان دارد و بیشک در ارزان مایحتاج زندگی اثر میدارد . شمالیها هم با توجه به طوبت فراوان و همچنین ارزانی و فراوانی ماهی در این منطقه صرف ماهیشان زیاد است (با توجه باینکه ماهی در این منطقه مصرف خیلی مفید است) چون در پیشگیری از تعدادی از امراض متداول در این ناحیه از جمله رماتیسم استخوانی که در این صفاقه زیاد دیده میشود / تاثیر فراوان میدارد . چون عملا در مناطق صید / زاندرم و ماهورین محیط زیست حضور ندارند که هر دم از ماهیگیران باج بخواهند و به خرج او تریاک بکشند و عرق بخرند و تریاک را عم / بگیرند و بیاره کنند / اگر وضع حاضری پیش نیاید / قیمت ماهی در کولک بندی دریا افت خواهد کرد .

عده ای از صیادان و اهالی ده " جیر ده " که در کیلومتر ۱۰ شهر رشت / نزدیک زمینهای وزارت جنگ (مجتمع گشت و صنعت و پر امیروری) قرار دارد / با تورهائی ماهیگیری و " بره " به استخر بزرگ ضلعی به وزارت جنگ که ماهیهای بسیارش تولید می نماید / بزرگ آورده و شروع به صادره ماهیهای آن استخر نمودند (در روزهای ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ - آبان ۵۸) . توضیح اینکه این استخر قبلا توسط سرایان گارد محافظت میشد و بعدا توسط ۷ پاسداران

بندر فرحناز (کیشهر)

در این منطقه ضیاع آن ظاهر نیستند قوانین دست و پا گیر شیلات را بش گذر / جاکر باشد ، آنها میخواهند آزاد عید کنند ، این صیادان ماهی صید شده را ، اکثرا به رشت میبرند زیرا بر آنجا به قیمت بهتری از آن خریداری میکنند . در این منطقه اکثر کسانی که برای شیلات تور میکشند / تکه زمین ناچیزی دارند که کباب خن آنان را نمیدرید به همین جهت ۶ ماه از سال در استخدام شیلات هستند . در مناطق صید گیلان / ماهیهای صید شده توسط صیاد به شور کوباکون / به سناک عرضه میگردد . ناعادانه ترین شکل عرضه در انزلی بصورت " صیاله " است که در آن صیادان برای سرمایه دار صید میکنند و عادلانه ترین شکل آن بدینگونه است که ماهیگیران برای خود صید میکنند و پس از از قیمت گذاری بوسیله دلال / شماک / از باب هر تومان / ۱۰ شاهی تا یک ریال از ماهی فروخته شده صیاد کسر میشوند (شماک بر صیادان)

دست امید و بالیزم و جیره خواران
داخلی آنها از منابع طبیعی
کشور ما کوتاه باد

اخبار و گزارشات

اصل

شریکاً - روز پنجشنبه ۱/۹/۵۸ آمل شاهد تظاهراتی بود که از سوی دهقانان در مقابل نماختن مقر سهامیاداران انقلاب اسلا می انجام شده بود. قضیه بدینقرار بود که چندی پیش چند هنگار زمین موجود در این روستا/ توسط زمینداران شهری که قبلاً مالکیت آنها در اختیار داشتند به یک وکیل دادگستری (عاشق) و شرکایش فروخته شد. این خریداران زمین را متعلق به خود میدانند در حالیکه دهقانان - بخصوص روستائیان بی زمین ملک را اراضی را حق خود میدانند. چند روز پیش عده ای از خریداران شهری برای تصرف زمین اقداماتی بعمل آوردند اما تلاشهای آنان به وسیله روستائیان عقیم ماند. سپس یکی از خریداران بنام قنادی با تعدادی پاسدار به روستا رفتند و روستائیان را که در زمینهای مورد دعوا/ حضور داشتند مورد بیورش قرار دادند در نتیجه تیراندازی پاسداران چندین نفر مجروح شدند و زنی که مورد اصابت گلوله ای تافته یکی از پاسداران واقع شده بود/ از ناحیه سینه دچار آسیب دیدگی گشت. مشخص است دهقانان از اعمال شقاوت انگیز و بیشرمانه این اجیرشدگان بحدی زیاد بود که شبانه (ساعت ۱۰ شب) دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده ضمن محکوم کردن این اعمال ننگین خواستار آزادی دستگیرشدگان واقعه و مجازات متواط پراگانده این جنایات شدند (یکی از دهقانان اهل محل پس از ده روز تا زکیها از زندان آزاد شده است).

مش همیشه در دوران ارتکاب این اعمال را بیگانه میگرداند و خود را از هرگونه گناهی صرا میدانستند چنانکه پاسداران در پاسخ روستائیان معترض اظهار داشتند "هرتکبیل حتماً شهرمانی چی یا کیمته چی بودند وما چی پس کاری نیکنیم" این آقایان کشتار خلقها و زحمتکشان در نقاط مختلف مملکت را چگونه توجیه میکنند؟ دم خروس را باید قبول کرد یا قسم حضرت عباس را؟!

سابق

شنبه ۳ آذر ماه ۵۸ - علی اکبر ایمانی یکی از زمینداران بنزاد بابک که وابسته به ساواک نیز بوده به چند دهقان میافند. دهقانان که تعداد آنها به ۳۰۰ نفر میرسید ساورا در شهر گردانده و ضمن دادن شمارهای / مرفه ایمانی / مرفه ساواکی / ناصره را به سوی اداره کشاورزی میبرند تا در آنجا کارهای اداری تصرف زمینی را که او در اختیار گرفته بود. بانجام رسانند. دهقانان حین راهپیمایی یکمدا اظهار میداشتند که "باید زمینهای تحت اختیار او را بین خود تقسیم کنیم" یکی از دهقانان که پشت خشمگین بود قصد داشت او را ضروب نماید. دهقان دیگری اظهار میداشت "چند سال قبل ایمانی با خراب کردن چندین خانه روستائی سبب کشته شدن چندین زن و بچه گردید". دهقان دیگری عقیده داشت که باید ما روستائیان خودمان او را محاکمه و اعدام کنیم.

ساری

روز شنبه ۳/۹/۵۸ - فریاد مرگ بر شاه - تعدادی روستائی که در مقابل دادگستری سناری اجتماع کرده بودند توجیه عاقرین را بخود جلب کرد. فریادی که در طنین خود در واقع/ قوانین و ضوابط رژیم سابق را که همچنان برقرار مانده اند

مورد حمله قرار میداد علت اجتماع روستائیان بی اعتنائی مراجع قانونی به تظلمات آنها بود . روستائیان به اقدام مسئولین جهت بنای يك مدرسه در یکی از قرا' اطراف فرح آباد مختصرین بودند . تقصیر بدینقرار بودن که ه هکنار از زمینهای شخصی بنام هاشمی (از زمینداران فرازی) بین ۷۰ خانوار ساکن این قریه تقسیم شد / این شخص یکی از کارکنان غیر رسمی شاهپور عبدالرضا با استفاده از کسائی مثل هاشمی / مرضوی / ... / زمینهای روستائیان را مورد غارت خود قرار میداد . هاشمی ها با استفاده از این موقعیت خود / یعنی نزدیکی با شاهپورها تجاوزات قانونی غیر قانونی زیادی انجام میدادند . همه روستائیان بیاد دارند که چگونه شاهپور محمود رضا مراتع ۷۰۰۰ هکناری دهقانان را بکله همین افراد ویا استفاده از امکانات فنی و مالی اداره آبادانی و مسکن بزرگت خود در آورد و باز همه دهقانان بخواست بنابرین دارند که پس از اصلاحات ارضی همین شخص چگونه در کنار هکناری با شاهپور ها / زمینهای دهقانان را مورد تجاوز خود قرار دادند) / و اکنون میخواهند در وسط زمین مذکور مدرسه ای بنا کنند . این عمل گذشته از آنکه یقیناً روستائیان امکان تجاوز به زمینهای اطراف را فراهم میکند / بلکه قطعه زمین لازم برای بنای ساختمان مدرسه را از دست کسائی خارج میکند که فرزندان بیلیم یکی از شهدای انقلاب میباشد . این تجاوز بیشرانه برای روستائیان یادآور همان تجاوزات رژیم قلیبی به تمام شئون و حریم زندگی آنان بود و آنان میخواستند بیاسخ خون مستنکر خویش و برای ارج گذاری به جانبازی این شهید با اعتراض و خویش حقوقی حقه وی را محفوظ نگه دارند . البته این اقدام پس از آن صورت گرفت که مسئولین به پیشنهاد روستائیان دایر بر واگذاری زمین مورد نیاز در بخش دیگری از همان ه هکنار که قسمت کناری آن بود وقتی بزرگ نهاده شبانه با حمایت مأمورین پاسگاه ژاندارمری به درون زمین ریخته ساختمان مدرسه را آغاز کردند . در حین جمع جلوی دادگستری یکی از روستائیان فریاد میکشید : اثر لازم باشد به ژاندارمری حمله و آنرا غلبه سلاح میکنیم تا کتون بخش از زمین بار شکایت کردیم اما جوابی نشنیدیم .

در جریان این اجتماع پیرمردی روستائی مورد حمله و ضرب و شتم فردی خارج از جمع قرار گرفت که واگتسایترین را بر انگیزت لحظاتی بدست سوزگله پاسدارها پیدا شد . آنها یکی از روستائیان را بازداشت کرده در اتومبیل انداختند تا ببرند اما روستائیان که دست در دست یکدیگر متحدان به این اقدام دست زده بودند میدانستند که پشت کردن به یارانیشان بهخسوس ناگاهی و شکست خواهند بود دستجمعی راه حرکت اتومبیل را سد کرده گفتند یا همه را ببرد یا هیچکس را .

تصدای از آنان تا حد ظرفیت با اتومبیل و قیفه پیاده بدنیا آنها براه افتادند در حالیکه در بین راه زمینیان سختی از انحاء و همچنین بر علیه زور و ستم بود .

میترا زار

شرکت دانه های رضی که شاخه ای از شرکتهای زنجیره ای (با شاخه های تهران دام پارس شرکتهای دانه های رضی آمل / کیاکاد / بهمنیر / سارن / بهشهر و ...) میباشد بین باید و یا بلسر / با ۱۱ کارمند و کارگر (۱ نفر قسمت حسابداری / ۴ نفر قسمت سوزن زنی / یک نفر اکت زنی / یک نفر متصدی پاسکون / یک نفر کارمند دفتر رئیس شرکت / تعداد نظر مهندس شرکت از ۲ تا ۳ همراه سان جاری آغاز بکار نمود . از وقتی که سرمایه های امیرالیستی / هم چون همه بخشهای اقتصاد ملی / از جمله کشاورزی را تخریب کردند سازماندهی اقتصاد بوسی که بر چنین نیازمندیها بازار داخلی تکامل می یافت از هم پاشید و اعتماد بیگانه گنت محصولات و راجعین کرد که نه تنها مورد نیاز اساسی ما نبودند بلکه ثمرات آن ها نیز بدیه بیگانگان سراسر زیر شدند که وظیفه بر آوردن نیازهای غارتگرانه امیرالیسم را بر عهده داشتند . شرکت فون نیز از جمله همین شرکتهاست بهعین جهت شرکتهای مختلفه در همه شاخه های تولیدی مثل قالی از زمین سبز شدند که

که دانه های روغنی را به قیمت بسیار زیاد از دهقانان خریداری میکند. این شرکتها/ حتی به این حد از چپاول نیز بسنده نمیکنند آنها در گذشته/ با حمایت دولتهای دست نشانده و کمک قوانین و ضوابطی که ابتدائی ترین حقوق کارگران را میسر میزدند یا میزدند (و هنوز هم برقرارند) / کارگران استدعا می کنند خود را به بشماره ترین وجهی / مورد هر نوع رفتاری که منافعی کثیف خودشان را تأمین کند قرار میدادند و به انتظار کارگران ما برای آنکه اکنون شاهد لغو این قوانین و تخریب روابط پیشین باشند / پاسی مثبت داده نشد. کارگران شرکت فون نیز باین قانون کار پیشین به استخدام در آمدند که بموجب آن کارفرما حق اخراج کسانی را که کمتر از ۳ ماه و ده روز کار کرده باشند / دارد. پس از مدتی ۷ نفر از کارگران و کارمندان را به بهانه کم شدن قدرت خرید شرکت و عدم توانایی در پرداخت دیون / پس از ۴ روز کار / اخراج کردند.

(اصل)

همین چندین پیس بود که عین همین جریان / در شرکت "مدلار" نیز اتفاق افتاد. شرکت با توسل به همین قانون دوش از کارگران را که نزدیک به ۳ ماه کار کرده بودند اخراج نمود و این براساس توهینی است نسبت به این زحمتکشان که مشارکت آنها در انقلاب مبرکت که پوز / امیرالیسم را در خاک میپس ما برای همیشه ب خاک پیالده .
(در مورد "مدلار" لازم به یاد آوری است که پس از این تصمیم کارفرما / سایر کارگران به این امر اعتراض نمودند و به ضرر کار ترفند و آنقدر پی گیری نمودند که کارفرما ناچار شد کارگران اخراجی را بسر کار باز گردانند .

گزارش شش از خانه کارگر

دوشنبه ۲۴ آبان : جریات زیر از گروه همایی کارگران در خانه کارگر تهیه شده است .
ابتدا یکی از کارگران پشت میزگوش قرار گرفت و سخن را از توضیحاتی در مورد جریان روزیین آغاز نمود . وی گفت : در روز در حدود ۵۰۰ نفر کارگر رو / از کارخانه های مختلف برای تصرف خانه کارگر بسیج کرده بودند / با این تبلیغات که " این کارگرسر ما / آمریکائی هستند و چند نفر رو کروگان گرفتند و رشدهار دادند که تا گروگانهای آمریکائی داخل سفارت آزاد نشوند / ما اینها را آزاد نمیکنیم " (۱) ما خونسرد و با آرای در خانه کارگر رو باز کردیم و همگی رو دعوت به نشستن نمودیم . یکس از اوها گفت : " . . . گوئی این "چین ما" / گویستها / آمریکائی ما " کجا هستند ؟ بعد از اینکه ریختن قیافه ما را دیدند فهمیدند که بابا چیزی نیست و ما مثل خودمون / کارگران هستیم که با آمریکا هم تماس نداریم / از کاری که تا آگاهانه انجام داده بودند پشیمان شدند . وی در ادامه سخنان خود افزود که امروز آه حرب میزدیم به ما میگفتند / خرابکار / حالاییگن ضد انقلاب آمریکائی / افریقاش " (۱) نه / ما ایرانی هستیم و سفارمان اینه " کار بدون سرمایه های آمریکائی سامیرالیستس" حالا در چند تا از رفتای کارگر دعوت میکنم بیان اینجا از وضعشون حرب بزنن تا معلوم بشه آمریکائی کیسه ؟
کارگر بعدی ۶۳ ماهه بیگار / کار بهم نمیدن / ۸۰۰۰ هزار تومن فرس کرده و همش خورده شد / تا بچه دارم / ۲ بچ گرایه خونته ندارم . خونتهام هم / اعمازاده حسن . . . هر کی باور نمیکه بره بیینه .

. . . دیشب میخواستم خودمو بینه از زیر تریلی / نداشتم . آخه من با چی / چطور می بچه ما برسم؟ الان فقط ۵ تومان تسو جیبمه / با این پول چکار میتونم بکنم؟ از برادرها و خواهرها میگویم نظر بدن / آخه من شد انقلابم؟ ببینید جورا بو ما در از دعات برای فرستاده . نمایای میوشم چون گفتند اندام رفته کمیته تم انداختن بیرون / گفتند برو تهران / اونجا یسه عده آذوند بودند که فقط بهمون زنده میدادند میخواستیم بدونیم این ۳۰ میلیون تومان پول نفت کجا میره؟ اقل روزی ۲۰ تومنش را بدن به ما . سین کارگر بعدی از ابتدای خود به بیماری و انتهای روشگی که به او زده بودند و تشکیل شورا برای تأسیس بیماریش سخن گفت و افزود که در این رابطه چه دوندگیها از این کمیته به آن یکی و از این دادسرا به آن دادسرای دیگر و بعد هم به وزارت کار کرد تا کار پیدا کنولی / موفق نشد . آنگاه سخنگری کارگران گفتند ما نفر اینجا مثل این دوستان نشسته اند

اوتنهایی که به ما میگویند آمریکائی / بدون آن که ما عاقلیم که اینجا هستیم / کارگریم / گرسنه ایم ونداریم
 آمریکا / آمریکا / مریک به نیرنگ تیر
 سپس کارگر دیگری رشته سخن را بدست گرفت . او که دارای ۱۸ سال سابقه کار در ای ای بی ای از مدارک بال بسیار
 سابقه کاری بود گفت منظر ما قبل از قیام انقلاب بودیم ولی حالا عند انقضای شدیم —

من آمریکا نیستم ولی کابینه ای که از توش ساواکسی در من آمد انقلابیست ؟
 چرا رادیو سلتویزیون صدای ما را پخش نمیکنند ؟ عله این همون رادیو سلتویزیون نیست که خودمون محاصره اش کردیم ؟
 حالا شده ما یک نفر که میگه رادیو ... ما با برنده هاست . خوب تو پاپر منهای یا هزاران مثل من ؟
 ببینید چطور می خواهند مارو ترویج همدیگر ببندازند ؟ میشب کارگرها رو فرستادن بیان مارو بیرون کنند ولی ما کارگرها
 با هم چنگی نداریم میائید یکی شویم تا به خواسته هامون برسیم . یک دست همدا نداره باید با هم یک صدا
 یک دل / دنبال راه چهار باشیم . تنها راه چاره اتحاد است .

بعد از آن چند کارگر دیگر از درد های زندگیشان سخن گفتند تا آنکه کارگری به پشت میکروفن رفت و اعلام کرد که گفته
 پیش یاسداران یکی از کارگران را دستگیر کرده و ممنوع آزادن نگرداند . پس از آن که کارگر دیگری پارهای از مشکلات
 کارگری از قبیل بیمه حقن و بیمه بیکاری را بر سر کرده آقای شیک پوشی پشت میکروفن قرار گرفت و اظهار داشت که بیمه
 بیکاری تدوین شده و به شورای انقلاب فرستاده شده و قرار است به تمام کارگران بیکار داده شود .

در این بین چون عده ای پیشنهاد راهیمایی بسوی سفارت آمریکا را داده بودند / نماینده کارگران بیکار پشت میکروفن
 قرار گرفت طی سخنانی گفت : هر روز ما رویه جا فرستادن / از فروردین به اسپهبدی خواست ما همه
 چیز است که تا گرفتن بر سه اینها از پای نخواهیم نشست و آنه قرار بود که سرما رو سیره نماند تا حالا داده بودن
 راجع به رفتن به سفارت من نه موافقم / نه مخالف / من با حرکت موافقم که حتی با هم باشیم ولی شخصا نمیتوانم یک
 نماینده نگرم اینه که مخالفم . کس میگه با رفتن به سفارت ما ضد امپریالیستیم؟ ضد امپریالیست بودن یعنی صادر کردن
 اموال سرمایه داران درون کشور . یعنی صادره / گس ساختمانهای شمال شهر که ما وابستگان به آمریکا ست بنفیس
 زحمتکشان / یعنی تا همین زندگی زحمتکشان حکومت ما امپریالیست نمی تونه حامی کارگران باشه تا
 کس حرف ؟ عمل !

خبر سرمایه کسوتاه :
 کلانه سری الکه خواجه وندی که در رژیم قلی / یک میلیون و دویست هزار تومان / از شرکت تعاونی کیاسر / اختلاس
 اختلاس کرده بونه اکنون نماینده " بنیاد مستضعفین " در کلانه محسومه میباشد .

سازی

روز دوشنبه ۵ / ۹ / ۵۸ / دختران فانی التحصیل مدرسه عالی بهداشت / در بیمارستان واقع در میدان ششم بهمن
 سابق متحصن شدند . تعجب آنان بخاطر اعتراض به بیکاری صورت گرفت .

اعزاز

در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۵۸ در شهر اهواز توسط گروهی غیر مذمعی تظاهراتی ضد آمریکائی برپا شد که طی آن تظاهر
 کنندگان همان شعارهایی را که این روزها بر علیه آمریکا داده میشود تکرار میکردند . ولی کویا عده ای از غلاتومه

حتی حمله به سیاست آمریکا را هم منحصر بخود دانسته و نمی خواهند اجازه دهند که گروههای دیگر شعارهای ضد امریکائی بدهند !! از این نظر هنگامیکه تظاهر کنندگان از محله لشکر آبان اغواز میگذاشتند با سنگ و چاقو مورد حمله عدوهای از فالتو ها قرار گرفتند که در نتیجه منجر به زخمی شدن ۳ دانشجو میشود . تظاهر کنندگان در نظر مهاجمین را که اقدام به ضروب نمودن دانشجویان کرده بودند دستگیر و خواستار میشوند که باید بوضع موجود رسیدگی شود . در این زمان هرگونه پاسداری پیدا میشود و با شلیک چند تیر عوائق ظاهرا "تظاهر کنندگان را متفرق میکنند- ولسون در قایق بعد تظاهر کنندگان میدهد" اجتماع کرده و شمار میدهند که باید در مهاجم دستگیر شده محاکمه شوند. در این هنگام مهاجمین به حمله خود شدت بخشیده و زود انفجور را بگروگان میکوبند . در گری تا شب ادامه میدهد و ساعت ۸ شب باج خود رسیده این بار مهاجمین با لشکر کثیف خود بشدیدترین وضعی حمله نموده ضمن شکستن شیشه های دانشگاه و دادن رکیلهترین فحشها ۱۵ دانشجو را که اکثرا آنها دختر بودند ضروب نموده اند که همه آنها در نتیجه ضربات وارده بیهوش شده و در بیمارستانهای اغواز بستری میگرددند . هنگام محاصره مهاجمین پاسداریان بطرف خون سردانه مشاهده عاجزا بوده و هیچگونه اعمالی که مانع از حمله مهاجمین نشود بعمل نمی آورند . همانطوریکه انتظار میرفت

تکبیر از هواداران * چسبکهای فدائیس خلق ایران * در اروپا

پیش بینی سازماندهای مسلح زود هنگام

www.iran-archi.com